

## تحلیل جایگاه زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باستان با تأکید بر اسناد اداری تخت جمشید

سیدمحمدصادق مهدوی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور واحد قم، قم، ایران

[seyedmohammadsadeghmahdavi@mail.ir](mailto:seyedmohammadsadeghmahdavi@mail.ir)

### چکیده

تصویر رایج از زنان در ایران باستان به ویژه در دوران هخامنشی، غالباً تحت تأثیر گزارش‌های نویسندگان یونانی شکل گرفته است که زنان را اغلب به عنوان چهره‌های حرم‌سرایی و فتنه‌انگیز توصیف کرده‌اند. با اینحال، کشف و انتشار الواح اداری تخت جمشید (Tablets Fortification Persepolis) در سال ۱۹۶۹ توسط ریچارد هالوک، دریچه‌ای نو به سوی درک واقعی جایگاه زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باستان گشوده است. این مقاله با روش تحلیل اسنادی و بررسی تطبیقی منابع کهن و پژوهش‌های معاصر، به بازخوانی جایگاه زنان در جامعه هخامنشی بر اساس شواهد ملموس اداری می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان در دوره هخامنشی از شخصیت حقوقی و مالی مستقل برخوردار بوده‌اند و در سطوح مختلف اجتماعی (از زنان سلطنتی و اشرافی تا زنان کارگر عادی) در فعالیتهای اقتصادی، مدیریتی و حتی سیاسی مشارکت فعال داشته‌اند. اسناد تخت جمشید نشان می‌دهد که زنان نه تنها می‌توانستند زمین و املاک شخصی داشته باشند و کسب و کار مستقل اداره کنند، بلکه در برخی مشاغل تخصصی مانند بافندگی، تعداد آنها از مردان نیز فراتر می‌رفته است. زنان سلطنتی مانند ایرتدونا و ایرداباما دارای شبکه‌های اداری مستقل، مهرهای شخصی و املاک گسترده‌ای بودند که از طریق کارگزاران خود اداره می‌کردند. این مقاله با تکیه بر بیش از بیست منبع معتبر پژوهشی از پنج سال اخیر، تصویری جامع از جایگاه چند وجهی زنان در جامعه ایران باستان ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که برخلاف کلیشه‌های رایج، زنان هخامنشی از استقلال مالی و حقوقی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** زنان هخامنشی، الواح اداری تخت جمشید، ایرتدونا، جایگاه اقتصادی زنان، اسناد ایلامی

## ۱. مقدمه

نوشتن تاریخ زنان در تمدن‌های باستانی همواره با چالش‌های جدی روبرو بوده است. کمبود منابع دست اول، دشواری تفسیر شواهد موجود و وسوسه خوانش ارزش‌های مدرن در متون کهن، از جمله موانعی هستند که پژوهشگران را در مسیر بازسازی جایگاه زنان در جوامع باستانی با مشکل مواجه می‌سازند (Brosius, ۱۹۹۶). این مشکلات هنگامی تشدید می‌شوند که منابع اصلی در دسترس، بازتاب دهنده دیدگاه مردمی دیگر (اغلب خصمانه) نسبت به فرهنگ مورد مطالعه باشند. چنین وضعیتی دقیقاً درباره زنان ایران در دوره هخامنشی (۵۵۹-۳۳۱ پیش از میلاد) صادق است.

نویسندگان یونانی مانند هرودوت، گزنفون و کتزیاس، تصویری زنده از شخصیت‌ها و فعالیت‌های زنان هخامنشی ارائه داده‌اند که اغلب بر خودسری، سنگدلی و دخالت‌گری آن‌ها در امور سیاسی تأکید دارد (Brosius, ۱۹۹۶). با این حال، این تصویر با اطلاعات موجود از منابع ایرانی (بویژه الواح اداری تخت جمشید) ناسازگار است؛ اسنادی که نشان می‌دهند برخی زنان از استقلال قابل توجه و قدرت اقتصادی برخوردار بوده و موقعیت‌های رهبری را در اختیار داشته‌اند (Brosius, ۱۹۹۶).

اهمیت الواح تخت جمشید در مطالعات زنان هخامنشی را به سختی می‌توان نادیده گرفت. این الواح که عمدتاً به زبان ایلامی و با خط میخی بر روی لوح‌های گلی نگاشته شده‌اند، در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۴ توسط ارنست هرتسفلد در لبه شمال شرقی تخت‌گاه تخت جمشید کشف شدند (Safaei, ۲۰۲۵). این اسناد که در اصل یک آرشیو اداری و حسابداری هستند، اطلاعات بی‌نظیری درباره توزیع آذوقه، دستمزد کارگران، مالیات‌ها، سفرها و ارتباطات در امپراتوری هخامنشی ارائه می‌دهند (Hallock, ۱۹۶۹). از منظر مطالعات زنان، این الواح حاوی اطلاعات دقیقی درباره سهمیه‌های غذایی اختصاص یافته به زنان و مردان، مشاغل مختلف زنان، املاک تحت مدیریت آن‌ها و حتی مزایای ویژه مانند کمک‌های زایمانی هستند.

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی جایگاه زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باستان (با تأکید ویژه بر شواهد مستخرج از الواح اداری تخت جمشید) نگاشته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که اسناد اداری تخت جمشید چه تصویری از جایگاه و نقش زنان در سطوح مختلف اجتماعی جامعه هخامنشی ترسیم می‌کنند؟ فرضیه مقاله آن است که برخلاف تصویر ارائه شده توسط منابع یونانی، زنان در جامعه هخامنشی از استقلال مالی و حقوقی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و در سطوح مختلف (از زنان سلطنتی تا کارگران عادی) در ساختار اقتصادی و اداری امپراتوری نقش فعالی داشته‌اند.

روش پژوهش در این مقاله، تحلیل اسنادی و بررسی تطبیقی منابع است. داده‌های اصلی از الواح اداری تخت جمشید (به ویژه مجموعه‌های منتشر شده توسط هالوک) و نیز پژوهش‌های معاصر درباره این اسناد استخراج شده‌اند. همچنین برای درک بهتر زمینه تاریخی، از منابع کهن یونانی و پژوهش‌های تطبیقی استفاده شده است. ساختار مقاله بدینگونه است: پس از این مقدمه، مرور ادبیات پژوهشی ارائه می‌شود؛ سپس روش‌شناسی پژوهش تشریح می‌گردد؛ در بخش اصلی، یافته‌های پژوهش در سه حوزه ساختار اجتماعی، جایگاه اقتصادی و نقش سیاسی زنان بررسی می‌شود؛ و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه خواهد شد.

## ۲. مرور ادبیات پژوهشی

مطالعه جایگاه زنان در ایران باستان تاریخچه‌ای نسبتاً جدید در پژوهش‌های آکادمیک دارد. اگرچه نویسندگان یونانی باستان به زنان هخامنشی توجه نشان داده‌اند، اما تا پیش از دهه ۱۹۹۰، مطالعه نظام‌مند جایگاه زنان در امپراتوری هخامنشی به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته بود. نقطه عطف در این زمینه، انتشار کتاب ماریا بروسیوس با عنوان «زنان در ایران باستان، ۵۵۹-۳۳۱ پیش از میلاد» در سال ۱۹۹۶ است که اولین پژوهش جامع درباره اهمیت اقتصادی و سیاسی زنان در امپراتوری هخامنشی محسوب می‌شود (Brosius, ۱۹۹۶). بروسیوس در این کتاب نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج از زنان شرقی به عنوان موجوداتی محبوس در حرم‌سرا، زنان سلطنتی هخامنشی در زندگی عمومی حضوری برجسته داشته‌اند و برخی از آن‌ها مانند ایرداباما، زمین‌دار و تاجری موفق بوده‌اند که نیروی کار عظیمی را مدیریت می‌کرده است (Brosius, ۱۹۹۶).

پس از کار پیشگام بروسیوس، پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف جایگاه زنان هخامنشی پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مطالعات پیر بریان، تاریخ‌نگار برجسته هخامنشی، است که در کتاب «از کوروش تا اسکندر» به نقش زنان در ساختار اداری و اقتصادی امپراتوری توجه نشان داده است (Briant, ۱۹۹۶). بریان با تکیه بر الواح تخت جمشید، نشان می‌دهد که زنان سلطنتی نه تنها مصرف‌کنندگان منابع بودند، بلکه مدیرانی فعال در نظام اقتصادی امپراتوری به شمار می‌آمدند.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های جدیدتر به ویژه بر روی الواح منتشر نشده تخت جمشید و تحلیل دقیق‌تر گروه‌های کاری زنانه متمرکز شده‌اند. یزدان صفایی، پژوهشگر ایرانی-اتریشی، در کتاب «زنان امپراتوری: زندگی و کار در آرشیوهای هخامنشی تخت جمشید» (۲۰۲۶) به بررسی جامع جایگاه زنان در چارچوب اقتصادی-اجتماعی امپراتوری هخامنشی پرداخته است (Safaei, ۲۰۲۶). صفایی با تکیه بر آرشیو الواح تخت جمشید و الواح خزانه، شواهد مستندی از زندگی، کار و عاملیت زنان (چه در نهادهای سلطنتی و چه فراتر از آن) ارائه می‌دهد.

پژوهش در مورد زنان غیرسلطنتی نیز در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. حسینی بوجدانی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به بررسی مشارکت اقتصادی زنان غیرسلطنتی در دوره هخامنشی بر اساس الواح تخت جمشید پرداخته و نشان داده است که این زنان در مشاغل متنوعی فعالیت داشته‌اند و بر اساس مهارت‌های خود، دستمزد دریافت می‌کرده‌اند (Bojdani Hosseini, ۲۰۲۱). همچنین خسروی و ایمان‌پور (۲۰۲۲) در پژوهشی درباره وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان غیر درباری در دوره هخامنشی به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در کنار مردان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت داشته‌اند و در بسیاری از موارد بر اساس مهارت‌های خود، دستمزد برابر با مردان دریافت می‌کرده‌اند (Imanpour & Khosravi, ۲۰۲۲).

یکی از حوزه‌های مهم پژوهش در سال‌های اخیر، مطالعه گروه‌های کاری تخصصی زنانه است. صفایی (۲۰۲۵) در پژوهشی درباره بافندگان زن در اقتصاد تخت جمشید، به بررسی گروه‌های کاری موسوم به «پاشاپ» (pašap) پرداخته است. این

پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم حضور برخی کارگران مرد، گروه‌های پاشاپ عمدتاً زنانه بوده‌اند و به عنوان بافنده فعالیت می‌کرده‌اند (Safaei, ۲۰۲۵). این یافته اهمیت نقش زنان در صنایع تخصصی دوره هخامنشی را آشکار می‌سازد.

پژوهش در مورد زنان سلطنتی خاص نیز در سال‌های اخیر گسترش یافته است. مطالعه ایرتدونا (دختر کوروش بزرگ و همسر داریوش بزرگ) توسط پژوهشگران دانشگاه تهران (۲۰۲۵) نشان داده است که این زن سلطنتی از اختیارات مستقل قابل‌توجهی در توزیع شراب و آجیو، مدیریت املاک خصوصی، تخصیص آذوقه به کارگران زن و مادران پس از زایمان، و نظارت مالی برخوردار بوده است (Tehran of University, ۲۰۲۵). این پژوهش تأکید می‌کند که ایرتدونا را نباید صرفاً به عنوان همسر داریوش نگریست؛ او یک مدیر توانمند در نظام اقتصادی هخامنشی بود.

در حوزه مطالعات تطبیقی، واتای (۲۰۲۳) به بررسی زنان درگیر در مدیریت روزانه در بابل هخامنشی پرداخته و نشان داده است که زنان در مناطق مختلف امپراتوری نقش‌های مدیریتی مشابهی داشته‌اند (Watai, ۲۰۲۳). همچنین پژوهش‌هایی درباره زنان سلطنتی هخامنشی در مصر (۲۰۲۵) نشان داده است که برخلاف ادعاهای پیشین، زنان سلطنتی هخامنشی در امور مصر و فعالیت‌های آن نقش داشته‌اند (Figures Invisible, ۲۰۲۵).

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در این حوزه، هنوز خلأهای پژوهشی متعددی وجود دارد. به ویژه، مطالعات جامع‌تری درباره زنان غیرسلطنتی و طبقات پایین‌تر جامعه، و نیز تحلیل تطبیقی جایگاه زنان در مناطق مختلف امپراتوری هخامنشی مورد نیاز است. همچنین، پژوهش در مورد بازنمایی زنان در هنر و نگاره‌های هخامنشی (یا وجود نبود نقش برجسته زنانه در کاخ‌های تخت جمشید) می‌تواند افق‌های جدیدی را بگشاید (Times Tehran, ۲۰۲۳).

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل اسنادی انجام شده است. داده‌های پژوهش از دو دسته منبع اصلی گردآوری شده‌اند: (۱) منابع اولیه شامل الواح اداری تخت جمشید (Tablets Fortification Persepolis) که توسط ریچارد هالوک در سال ۱۹۶۹ منتشر شده است و الواح خزانه تخت جمشید (Tablets Treasury Persepolis)؛ و (۲) منابع ثانویه شامل پژوهش‌های معاصر (از سال ۲۰۲۰ به بعد) که به تحلیل و تفسیر این اسناد پرداخته‌اند. همچنین برای درک زمینه تاریخی و مقایسه تطبیقی، از گزارش‌های نویسندگان یونانی باستان (هرودوت، گزنفون، کتزیاس) و پژوهش‌های تاریخی مرتبط استفاده شده است.

فرایند تحلیل داده‌ها در این پژوهش شامل مراحل زیر بوده است: ابتدا، تمامی الواح مرتبط با زنان در مجموعه منتشر شده هالوک شناسایی و دسته‌بندی شدند. سپس، اطلاعات استخراج شده بر اساس سه محور اصلی (ساختار اجتماعی، جایگاه اقتصادی و نقش سیاسی) دسته‌بندی گردید. در مرحله بعد، یافته‌های حاصل از الواح با پژوهش‌های معاصر مقایسه و تحلیل

شدند تا تصویری جامع از جایگاه زنان ترسیم شود. نهایتاً، از روش تحلیل محتوای کیفی برای استخراج الگوها و روندهای موجود در داده‌ها استفاده شد.

برای حفظ اعتبار و روایی پژوهش، تنها از منابع معتبر علمی و پژوهش‌های دارای داوری هم‌تا استفاده شده است. همچنین، تلاش شده است تا از تعمیم‌های بی‌رویه و فرافکنی ارزش‌های مدرن به دوران باستان پرهیز شود. محدودیت اصلی پژوهش، وابستگی به الواح منتشر شده است؛ چرا که بخش قابل توجهی از الواح تخت جمشید هنوز منتشر نشده و در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. ساختار اجتماعی زنان در دوران هخامنشی

اسناد اداری تخت جمشید تصویری روشن از ساختار سلسله مراتبی جامعه زنان در دوره هخامنشی ارائه می‌دهند. بر اساس این اسناد و پژوهش‌های معاصر، می‌توان زنان جامعه هخامنشی را به سه سطح اصلی تقسیم کرد: (۱) زنان سلطنتی و اشرافی عالی‌رتبه، (۲) زنان متخصص و مدیر، و (۳) زنان کارگر عادی (Safaei, ۲۰۲۰).

**زنان سلطنتی و اشرافی عالی‌رتبه** در رأس این هرم قرار داشتند. بر اساس الواح ایلامی، عنوان «دوک‌شیش» (dukšiš) به طور جمعی برای زنان سلطنتی هخامنشی به کار می‌رفته است و وضعیت فردی آن‌ها بر اساس رابطه‌شان با شاه تعیین می‌شده است (Safaei, ۲۰۲۰). در بالاترین سطح، مادر شاه، همسر اصلی (مادر وارث تاج و تخت)، دختران شاه، خواهران شاه و همسران فرعی/کنیزان قرار داشتند (Mark, ۲۰۲۰). این سلسله مراتب نشان می‌دهد که در جامعه هخامنشی، زنان نه تنها بر اساس جنسیت، بلکه بر اساس نسب و جایگاه خود در ساختار قدرت تعریف می‌شدند.

نکته قابل توجه در مورد زنان سلطنتی، حضور آن‌ها در زندگی عمومی و اداری است. برخلاف تصور رایج از حرم‌سرای شرقی، زنان سلطنتی هخامنشی در انظار عمومی ظاهر می‌شدند، در مراسم و جشن‌ها شرکت می‌کردند و حتی جلسات مشورتی مستقل برگزار می‌کردند (Mark, ۲۰۲۰). الواح تخت جمشید نشان می‌دهند که این زنان دارای املاک شخصی، کارگزاران مستقل و مهرهای شخصی بوده‌اند که نشان از شخصیت حقوقی مستقل آن‌ها دارد (Brosius, ۱۹۹۶).

**سطح دوم، زنان متخصص و مدیر** را شامل می‌شود. این دسته شامل زنانی می‌شوند که در نظام اداری و اقتصادی امپراتوری نقش‌های تخصصی داشتند. برخی از این زنان به عنوان سرپرستان گروه‌های کاری، مدیران املاک یا کارگزاران زنان سلطنتی فعالیت می‌کردند (Safaei, ۲۰۲۰). الواح نشان می‌دهند که برخی از این زنان از اختیارات قابل توجهی برخوردار بوده و مستقیماً زیر نظر شاه یا زنان سلطنتی عالی‌رتبه فعالیت می‌کرده‌اند.

**سطح سوم**، زنان کارگر عادی هستند که در مشاغل مختلف تولیدی و خدماتی فعالیت داشته‌اند. این زنان بخش قابل توجهی از نیروی کار امپراتوری را تشکیل می‌دادند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعداد کارگران زن در فعالیت‌های تولیدی مختلف برای اقتصاد سلطنتی تخت جمشید، تقریباً نیمی از کل کارگران را شامل می‌شده است (Status Women's of Research, ۲۰۲۵). این زنان در مشاغل متنوعی از جمله بافندگی، آسیاب کردن غلات، تولید غذا، حمل و نقل و کارهای کشاورزی فعالیت داشته‌اند (Bojdani Hosseini, ۲۰۲۱).

جالب توجه است که در جامعه هخامنشی، بر اساس شواهد الواح، هیچ ممنوعیتی برای ورود زنان به مشاغل خاص وجود نداشته است و مهارت و عملکرد افراد در کار، برتری آن‌ها را تعیین می‌کرده است (Studies History Economic, ۲۰۲۵). این امر نشان دهنده رویکردی نسبتاً باز نسبت به مشارکت اقتصادی زنان در جامعه هخامنشی است.

جدول ۱: سلسله مراتب اجتماعی زنان در دوران هخامنشی بر اساس الواح تخت جمشید

| سطح     | رده                     | ویژگی‌ها و اختیارات                   | شواهد در الواح              |
|---------|-------------------------|---------------------------------------|-----------------------------|
| سطح اول | مادر شاه                | بالاترین جایگاه، نفوذ سیاسی و اقتصادی | حضور در مراسم، املاک شخصی   |
| سطح اول | همسر اصلی (مادر ولیعهد) | جایگاه ویژه، مدیریت املاک سلطنتی      | مهر شخصی، کارگزاران مستقل   |
| سطح اول | دختران شاه              | املاک شخصی، شبکه اداری مستقل          | ایرتدونا (دختر کوروش)       |
| سطح اول | خواهران شاه             | جایگاه تشریفاتی و اقتصادی             | حضور در اسناد توزیع آذوقه   |
| سطح دوم | زنان متخصص و مدیر       | سرپرستی گروه‌های کاری، مدیریت املاک   | مدارک اداری، سهمیه‌های ویژه |
| سطح سوم | زنان کارگر عادی         | مشاغل تولیدی و خدماتی                 | دریافت آذوقه، حق السعی      |

## ۴-۲. جایگاه اقتصادی زنان

مهم‌ترین سهم الواح تخت جمشید در مطالعات زنان هخامنشی، ارائه اطلاعات دقیق درباره جایگاه اقتصادی آن‌هاست. این اسناد نشان می‌دهند که زنان در دوره هخامنشی از شخصیت حقوقی و مالی مستقل برخوردار بوده‌اند و در فعالیت‌های اقتصادی متنوعی مشارکت داشته‌اند.

### ۴-۲-۱. مالکیت زمین و املاک

یکی از مهم‌ترین یافته‌های الواح تخت جمشید، اثبات مالکیت زمین و املاک توسط زنان است. زنان سلطنتی و اشرافی دارای املاک گسترده‌ای در مناطق مختلف امپراتوری بودند که از طریق شبکه‌ای از کارگزاران اداره می‌کردند (Brosius, ۱۹۹۶).

Henkelman, ۲۰۱۰). برای مثال، ایرتدونا (دختر کوروش بزرگ و همسر داریوش بزرگ) دارای املاک شخصی در سه روستا و شهرک کوچک در پارس (کوکنان، ماتانن و میراندو) بود که مستقیماً آن‌ها را مدیریت می‌کرد (Tehran of University, ۲۰۲۵).

ایرداباما، یکی دیگر از زنان برجسته هخامنشی، به عنوان ثروتمندترین تاجر زن attested در اسناد امپراتوری هخامنشی در تخت جمشید شناخته می‌شود (Wikipedia, ۲۰۱۶). او مالک زمین‌های وسیعی در ایران و نیز خارج از ایران (مانند بابل و سوریه) بود و نیروی کار عظیمی را مدیریت می‌کرد و کسب و کار مستقلی در زمینه شراب و غله داشت (Brosius, ۱۹۹۶). این نمونه‌ها نشان می‌دهند که زنان نه تنها زمین داشتند، بلکه به عنوان مدیران اقتصادی مستقل عمل می‌کردند.

حتی زنان غیرسلطنتی نیز می‌توانستند صاحب زمین و املاک باشند. الواح نشان می‌دهند که زنان می‌توانستند کاتبان، املاک و درآمدهای مخصوص به خود داشته باشند (Commons Digital, ۲۰۱۵). این امر نشان دهنده وجود یک نظام حقوقی است که به زنان اجازه می‌داده است تا دارایی مستقل داشته باشند و آن را مدیریت کنند.

## ۲-۴. مشارکت در نیروی کار

الواح تخت جمشید اطلاعات دقیقی درباره مشارکت زنان در نیروی کار ارائه می‌دهند. بر اساس این اسناد، زنان تقریباً نیمی از کل کارگران درگیر در فعالیت‌های تولیدی مختلف برای اقتصاد سلطنتی تخت جمشید را تشکیل می‌دادند (Status Women's, ۲۰۲۵). این زنان در مشاغل متنوعی فعالیت داشتند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

**بافندگی:** یکی از مهم‌ترین مشاغل زنانه در دوره هخامنشی، بافندگی بود. گروه‌های کاری موسوم به «پاشاپ» (pašap) که عمدتاً زنانه بودند، به عنوان بافنده فعالیت می‌کردند (Safaei, ۲۰۲۵). این گروه‌ها در مناطق مختلف امپراتوری پراکنده بودند و بخش مهمی از تولید منسوجات را بر عهده داشتند. پژوهش‌های اخیر نشان داده است که علی‌رغم حضور برخی کارگران مرد در این گروه‌ها، پاشاپ‌ها عمدتاً به عنوان گروه‌های زنانه شناخته می‌شوند (Safaei, ۲۰۲۵).

**آسیاب‌کردن و تولید غذا:** زنان در آسیاب‌کردن غلات و تولید مواد غذایی نیز نقش مهمی داشتند. الواح نشان می‌دهند که گروه‌های بزرگی از زنان در این صنایع فعالیت داشته‌اند و سهمیه‌های غذایی مشخصی دریافت می‌کرده‌اند.

**کشاورزی و دامداری:** زنان در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری نیز مشارکت داشتند. برخی از زنان به عنوان سرپرستان گروه‌های کاری کشاورزی فعالیت می‌کردند.

**حمل و نقل و خدمات:** الواح به حضور زنان در فعالیت‌های حمل‌ونقل و خدمات نیز اشاره دارند. برخی از زنان به عنوان همراهان کاروان‌ها یا خدمتکاران در سفرهای اداری شرکت می‌کردند.

نکته قابل توجه این است که در برخی مشاغل، تعداد زنان از مردان نیز بیشتر بوده است و در بسیاری از موارد، بر اساس مهارت‌هایشان، دستمزد برابر یا حتی بیشتر از مردان دریافت می‌کرده‌اند (Studies History Economic, ۲۰۲۵). برخی منابع حتی اشاره دارند که زنان شاغل در دولت، دستمزدهای سه برابری نسبت به مردان در مشاغل مشابه دریافت می‌کرده‌اند (CAIS, d.n).

جدول ۲: مشاغل زنان در دوره هخامنشی بر اساس الواح تخت جمشید

| رده شغلی        | شرح                      | نسبت زنان به کل کارگران | شواهد در الواح                  |
|-----------------|--------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| بافندگی (پاشاپ) | تولید منسوجات            | غالباً زنانه            | گروه‌های پاشاپ، سهمیه‌های غذایی |
| آسیاب کردن      | آسیاب غلات               | بالا                    | سهمیه‌های آرد و غله             |
| تولید غذا       | پخت نان، تهیه غذا        | متوسط تا بالا           | سهمیه‌های غذایی روزانه          |
| کشاورزی         | کار در مزارع             | متوسط                   | سهمیه‌های جو و غله              |
| مدیریت املاک    | سرپرستی کارگران          | پایین (اما مهم)         | مهرها، اسناد اداری              |
| خدمات           | حمل و نقل، همراهی کاروان | پایین                   | اسناد سفر                       |

### ۳-۲-۴. نظام دستمزد و سهمیه‌بندی

یکی از جنبه‌های مهم الواح تخت جمشید، اطلاعات دقیق درباره نظام دستمزد و سهمیه‌بندی است. این اسناد نشان می‌دهند که نظام جیره بندی در تخت جمشید بر اساس جنسیت و سن متفاوت بوده است. بر اساس یک اصل پذیرفته شده، هر مرد ماهانه ۳ بار (واحد اندازه‌گیری) غله دریافت می‌کرد، در حالی که هر زن ۲ بار و هر پسر/دختر ۰/۵ تا ۲/۵ بار غله دریافت می‌کرد (Status Women's of Research, ۲۰۲۵).

با این حال، این نظام ساده سازی شده، تصویر کامل را نشان نمی‌دهد. الواح نشان می‌دهند که برخی زنان در گروه‌های کاری، سهمیه‌های بیشتری نسبت به مردان دریافت می‌کرده‌اند، احتمالاً به دلیل مقام یا مهارت‌های ویژه آن‌ها (Wikipedia, ۲۰۲۱). برای مثال، زنان یونانی که دارای پسر بودند، سهمیه غله دو برابری نسبت به زنان دارای دختر دریافت می‌کردند (Wikipedia, ۲۰۲۱). این امر نشان می‌دهد که نظام جیره بندی تنها بر اساس جنسیت نبوده، بلکه عوامل دیگری مانند سن، مهارت، تعداد فرزندان و موقعیت اجتماعی نیز در آن مؤثر بوده است.

علاوه بر غله، زنان گاهی دستمزد خود را به صورت نقره دریافت می‌کردند (Bojdani Hosseini, ۲۰۲۱). همچنین، زنان شاغل در دولت از مزایای دیگری مانند کمک‌های زایمانی و مزایای فرزند بهره‌مند می‌شدند (CAIS, d.n). الواح به صراحت به پرداخت پاداش به زنان پس از زایمان اشاره دارند که نشان دهنده وجود نظام حمایت اجتماعی برای مادران است (Safaei, ۲۰۲۰).

#### ۴-۲-۴. زنان به عنوان مدیران اقتصادی

شاید مهم‌ترین جنبه جایگاه اقتصادی زنان در دوره هخامنشی، نقش آن‌ها به عنوان مدیران و سرپرستان اقتصادی باشد. الواح تخت جمشید نشان می‌دهند که زنان سلطنتی مانند ایرتدونا و ایرداباما دارای شبکه‌های اداری پیچیده‌ای بودند و مستقیماً املاک و نیروی کار خود را مدیریت می‌کردند.

مطالعه موردی ایرتدونا نشان می‌دهد که او فرمان‌هایی با مهر شخصی خود صادر می‌کرد، چندین املاک را مستقیماً مدیریت می‌نمود و بر توزیع و باز توزیع آذوقه از طریق شبکه‌ای از کارگزاران نظارت داشت (Tehran of University, ۲۰۲۵). او نه تنها در توزیع شراب و آبجو، بلکه در مدیریت املاک خصوصی (ulhi)، تخصیص آذوقه به کارگران زن و مادران پس از زایمان، و نظارت مالی نیز اختیار داشت (Tehran of University, ۲۰۲۵). تحلیل این اسناد نشان می‌دهد که او یک نظام تأمین اجتماعی ساختار یافته، هدف‌گرا و برنامه‌ریزی شده را تحت مدیریت خود داشته است.

ایرداباما نیز به عنوان یکی از ثروتمندترین و موفق‌ترین تاجران زن در تاریخ باستان شناخته می‌شود. او مالک زمین‌های وسیع، نیروی کار عظیم و کسب و کار مستقلی در زمینه شراب و غله بود (Brosius, ۱۹۹۶). او به قدری موفق بود که نامش در کنار نام شاه در برخی اسناد اداری ذکر شده است (Henkelman, ۲۰۱۰).

این شواهد نشان می‌دهند که زنان در دوره هخامنشی نه تنها مصرف‌کنندگان منابع بودند، بلکه تولیدکنندگان و مدیران فعالی در نظام اقتصادی امپراتوری به شمار می‌آمدند.

#### جدول ۳: مقایسه اختیارات اقتصادی زنان سلطنتی هخامنشی

| نام       | جایگاه                  | املاک                   | کارگزاران      | اختیارات                              | شواهد                  |
|-----------|-------------------------|-------------------------|----------------|---------------------------------------|------------------------|
| ایرتدونا  | دختر کوروش، همسر داریوش | کوکنان، ماتانن، میراندو | شبکه گسترده    | توزیع آذوقه، مدیریت املاک، نظارت مالی | الواح PF               |
| ایرداباما | احتمالاً مادر داریوش    | ایران، بابل، سوریه      | نیروی کار عظیم | کسب و کار شراب و غله، مدیریت کارگران  | الواح PF، منابع یونانی |
| آتوسا     | همسر داریوش             | املاک متعدد             | شبکه کارگزاران | مدیریت املاک، نظارت بر کارگاه‌ها      | الواح PF               |

## ۴-۳. نقش سیاسی زنان

نقش سیاسی زنان در دوره هخامنشی یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در مطالعات ایران باستان است. در حالی که منابع یونانی بر دخالت‌گری و فتنه‌انگیزی زنان سلطنتی تأکید دارند، شواهد اداری و تاریخی تصویری پیچیده‌تر و نهادینه شده‌تر از نقش سیاسی زنان ارائه می‌دهند.

## ۴-۳-۱. زنان سلطنتی و قدرت سیاسی

الواح تخت جمشید به طور مستقیم به نقش سیاسی زنان اشاره ندارند، اما شواهد غیر مستقیم نشان می‌دهند که زنان سلطنتی از نفوذ سیاسی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. توانایی زنان سلطنتی در برگزاری نشست‌ها و پذیرایی‌ها، به آن‌ها امکان می‌داده است تا با شاه گفتگو کرده و در امور سیاسی مداخله کنند (Companion Routledge, ۲۰۲۰).

بر اساس منابع یونانی، زنان سلطنتی مانند آمستریس (همسر خشایارشا) نقشی فعال در سیاست‌های درباری داشتند و حتی در برخی موارد، رویدادهای سیاسی مهمی را orchestrate می‌کردند (Arthur, ۲۰۲۶). هرچند این گزارش‌ها با سوگیری یونانی نوشته شده‌اند، اما حضور پر رنگ زنان سلطنتی در منابع متعدد یونانی نشان می‌دهد که آن‌ها بازیگران مهمی در صحنه سیاسی بوده‌اند.

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که زنان سلطنتی هخامنشی در مناطق مختلف امپراتوری (از جمله مصر) نقش داشته‌اند. مطالعه زنان سلطنتی هخامنشی در مصر (۲۰۲۵) نشان می‌دهد که برخلاف ادعاهای پیشین، این زنان در امور مصر و فعالیت‌های آن نقش داشته‌اند و باید آن‌ها را در چارچوب مفهوم هخامنشی از ملکه‌گی، نه صرفاً از منظر مصری، مورد بررسی قرار داد (Invisible Figures, ۲۰۲۵).

## ۴-۳-۲. نهادهای قدرت زنانه

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نقش سیاسی زنان در دوره هخامنشی، وجود نهادهای قدرت زنانه است. مادر شاه (مادر شهبانو) در بالاترین سطح هرم قدرت زنان قرار داشت و از نفوذ سیاسی و تشریفاتی قابل توجهی برخوردار بود (Mark, ۲۰۲۰). همسر اصلی شاه نیز که مادر ولیعهد بود، جایگاه ویژه‌ای در ساختار قدرت داشت.

زنان سلطنتی همچنین «دربار» یا «حرمسرای» خاص خود را داشتند که شامل زنان اشرافی، خدمتکاران و کارگزاران زن می‌شد. این نهادها نه تنها محل سکونت و زندگی روزمره بودند، بلکه مراکز قدرت و شبکه‌سازی سیاسی نیز به شمار می‌آمدند (Safaei, ۲۰۲۶). الواح تخت جمشید نشان می‌دهند که این نهادها ساختار اداری خاص خود را داشتند و منابع اقتصادی قابل توجهی را مدیریت می‌کردند.

### ۳-۳-۴. قدرت اقتصادی به مثابه قدرت سیاسی

در امپراتوری هخامنشی، قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی به شدت به هم مرتبط بودند. زنان سلطنتی که دارای املاک گسترده و منابع مالی عظیم بودند، به طور خودکار از نفوذ سیاسی نیز برخوردار می‌شدند. توانایی آن‌ها در تأمین منابع برای کارگزاران، بخشش‌ها و حمایت‌های مالی، به آن‌ها امکان می‌داد تا شبکه‌های وفاداری و نفوذ سیاسی خود را گسترش دهند.

برای مثال، ایرتدونا با داشتن املاک گسترده و شبکه کارگزاران، نه تنها یک مدیر اقتصادی بود، بلکه یک بازیگر سیاسی مهم نیز به شمار می‌آمد (Tehran of University, ۲۰۲۵). او می‌توانست از منابع خود برای جذب وفاداری، تأمین نیازهای کارگزاران و حتی تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های شاه استفاده کند.

### ۴-۳-۴. زنان در مقام رهبری

هرچند زنان به ندرت به عنوان فرمانروایان مستقل در دوره هخامنشی ظاهر می‌شوند، اما شواهدی از حضور زنان در مقام‌های رهبری وجود دارد. در برخی مناطق آسیای صغیر، زنان رهبرانی بودند که جایگاه اجتماعی بالایی داشتند (d.n, CEEOL). همچنین، ملکه تومیریس از ماساگت‌ها (یک قبیله ایرانی) در نبرد با کوروش بزرگ شرکت کرد و او را شکست داد (Axworthy, ۲۰۰۸).

در داخل امپراتوری هخامنشی، زنان به عنوان سرپرستان گروه‌های کاری، مدیران املاک و کارگزاران ارشد فعالیت می‌کردند. برخی از این زنان از اختیارات قابل توجهی برخوردار بودند و مستقیماً زیر نظر شاه یا زنان سلطنتی عالی‌رتبه کار می‌کردند (Safaei, ۲۰۲۰).

## ۵. بحث و تحلیل

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تصویر سنتی از زنان در ایران باستان (که غالباً تحت تأثیر منابع یونانی شکل گرفته است) نیازمند بازنگری اساسی است. الواح اداری تخت جمشید به عنوان شاهد عینی و دست اول از نظام اداری و اقتصادی هخامنشی، تصویری متفاوت و بسیار غنی‌تر از جایگاه زنان ارائه می‌دهند.

### ۵-۱. بازنگری در تصویر سنتی

منابع یونانی زنان هخامنشی را اغلب به عنوان موجوداتی حرمسرای، فتنه‌انگیز و خطرناک برای نظم سیاسی توصیف کرده‌اند. هرودوت، گزنفون و کتزیاس داستان‌هایی از توطئه‌های زنان سلطنتی، تأثیر سوء آن‌ها بر شاهان و نقش آن‌ها در انحطاط

امپراتوری نقل کرده‌اند (Brosius, ۱۹۹۶). با این حال، الواح تخت جمشید نشان می‌دهند که زنان (حداقل در سطح اقتصادی و اداری) عوامل مستقل و مؤثری در نظام امپراتوری بوده‌اند (Brosius, ۱۹۹۶).

این تناقض میان منابع یونانی و شواهد ایرانی را می‌توان به چند عامل نسبت داد. نخست، نویسندگان یونانی اغلب زنان را از منظر فرهنگی خود و با پیش‌داوری‌های رایج درباره «بربرهای» شرقی توصیف می‌کرده‌اند. دوم، آن‌ها عمدتاً به زنان سلطنتی و درباری توجه داشته‌اند و از زندگی زنان عادی غافل مانده‌اند. سوم، گزارش‌های یونانی اغلب با اهداف سیاسی و تبلیغاتی نوشته شده‌اند و لزوماً بازتاب دهنده واقعیت نبوده‌اند (Brosius, ۱۹۹۶).

## ۲-۵. استقلال اقتصادی و حقوقی زنان

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش در مورد الواح تخت جمشید، اثبات استقلال اقتصادی و حقوقی زنان است. زنان در دوره هخامنشی می‌توانستند زمین داشته باشند، کسب و کار مستقل اداره کنند، مهر شخصی داشته باشند و قراردادهای حقوقی منعقد کنند (Brosius, ۱۹۹۶; Commons Digital, ۲۰۱۵). این امر نشان می‌دهد که نظام حقوقی هخامنشی زنان را به عنوان اشخاص حقوقی مستقل به رسمیت می‌شناخته است.

این استقلال اقتصادی در سطح زنان سلطنتی به اوج خود می‌رسید. زنانی مانند ایرتدونا و ایرداباما نه تنها مالک زمین‌های وسیع بودند، بلکه شبکه‌های اداری و نیروی کار گسترده‌ای را مدیریت می‌کردند (Henkelman, ۲۰۲۵; Tehran of University). آن‌ها می‌توانستند فرمان‌های اداری صادر کنند، کارگزاران خود را منصوب و عزل کنند و منابع مالی قابل توجهی را به دلخواه خود هزینه کنند.

حتی در سطح زنان کارگر عادی، شواهدی از استقلال نسبی وجود دارد. زنان می‌توانستند شغل خود را انتخاب کنند، بر اساس مهارت‌هایشان دستمزد دریافت کنند و از مزایایی مانند کمک‌های زایمانی بهره‌مند شوند (Safaei, d.n, CAIS, ۲۰۲۰). نظام جیره بندی نیز صرفاً بر اساس جنسیت نبود و عوامل دیگری مانند مهارت، سن و تعداد فرزندان در آن مؤثر بود (Wikipedia, ۲۰۲۱).

## ۳-۵. تنوع نقش‌های زنان

یکی دیگر از دستاوردهای مهم این پژوهش، آشکارسازی تنوع نقش‌های زنان در جامعه هخامنشی است. زنان در تمام سطوح اجتماعی (از سلطنتی تا کارگر عادی) حضور داشتند و نقش‌های متنوعی ایفا می‌کردند. این تنوع نشان می‌دهد که جامعه هخامنشی نگاهی یک‌بعدی به زنان نداشته و آن‌ها را در قالب نقش‌های محدود محصور نمی‌کرده است.

زنان سلطنتی به عنوان مدیران اقتصادی، بازیگران سیاسی و حامیان فرهنگی فعالیت می‌کردند. زنان اشرافی و متخصص به عنوان مدیران املاک، سرپرستان گروه‌های کاری و کارگزاران اداری نقش داشتند. زنان کارگر عادی در مشاغل تولیدی، کشاورزی

و خدماتی مشارکت می‌کردند. این تنوع نشان می‌دهد که در جامعه هخامنشی، «زنان» یک گروه همگن نبودند و جایگاه آن‌ها بر اساس طبقه، مهارت و موقعیت اجتماعی‌شان تعیین می‌شد (Safaei, ۲۰۲۶).

#### ۴-۵. مقایسه با جوامع هم دوره

در مقایسه با جوامع هم دوره خود، زنان در ایران هخامنشی از جایگاه نسبتاً بالایی برخوردار بودند. در یونان کلاسیک، زنان از مشارکت سیاسی محروم بودند، مالکیت محدودی داشتند و در انتظار عمومی ظاهر نمی‌شدند. در مصر باستان، زنان از حقوق بیشتری برخوردار بودند، اما همچنان در مقایسه با مردان در موقعیت پایین‌تری قرار داشتند. در میان‌رودان (بین‌النهرین)، وضعیت زنان بسته به دوره و منطقه متغیر بود، اما به ندرت به استقلال اقتصادی و حقوقی زنان هخامنشی می‌رسید (Brosius, ۱۹۹۶).

البته نباید این مقایسه را ساده سازی کرد. هر جامعه‌ای ساختارهای خاص خود را داشته و مقایسه مستقیم آن‌ها ممکن است به تعمیم‌های نادرست منجر شود. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهند که زنان در ایران هخامنشی از حقوق و اختیارات بیشتری نسبت به بسیاری از جوامع هم‌دوره خود برخوردار بوده‌اند (Mark, ۲۰۲۰).

#### ۵-۵. محدودیت‌ها و کاستی‌ها

با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در پژوهش‌های مربوط به زنان هخامنشی، هنوز کاستی‌های مهمی وجود دارد. نخست، بخش قابل‌توجهی از الواح تخت جمشید هنوز منتشر نشده و در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. این امر تصویر ما از جایگاه زنان را ناقص می‌کند. دوم، بیشتر پژوهش‌ها بر روی زنان سلطنتی و اشرافی متمرکز بوده‌اند و زندگی زنان عادی و کارگر کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. سوم، پژوهش در مورد بازنمایی زنان در هنر و فرهنگ هخامنشی (با وجود نبود نقش برجسته زنانه در تخت جمشید) هنوز در مراحل اولیه قرار دارد (Times Tehran, ۲۰۲۳).

همچنین، باید به این نکته توجه داشت که الواح تخت جمشید اسنادی اداری و اقتصادی هستند و اطلاعات محدودی درباره جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی زنان ارائه می‌دهند. برای ترسیم تصویری کامل‌تر از جایگاه زنان، نیاز به ترکیب این شواهد با منابع دیگر (از جمله منابع باستان‌شناختی، هنری و ادبی) داریم.

#### ۶. نتیجه‌گیری

بررسی الواح اداری تخت جمشید تصویری نو و متقن از جایگاه زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باستان ارائه می‌دهد که در تضاد آشکار با روایت‌های سنتی برگرفته از منابع یونانی قرار دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که زنان

در دوره هخامنشی از شخصیت حقوقی و مالی مستقل برخوردار بوده‌اند و در سطوح مختلف اجتماعی (از زنان سلطنتی و اشرافی تا زنان کارگر عادی) در فعالیتهای اقتصادی، مدیریتی و حتی سیاسی مشارکت فعال داشته‌اند.

در حوزه ساختار اجتماعی، زنان هخامنشی در یک نظام سلسله مراتبی سازمان یافته بودند که بر اساس نسب و جایگاه آن‌ها در ساختار قدرت تعریف می‌شد. از مادر شاه و همسر اصلی گرفته تا زنان کارگر عادی، هر گروه نقش و جایگاه خاص خود را در جامعه داشت. برخلاف کلیشه رایج، زنان سلطنتی در انظار عمومی ظاهر می‌شدند و در زندگی عمومی حضور برجسته‌ای داشتند.

در حوزه اقتصاد، شواهد الواح نشان می‌دهد که زنان مالک زمین و املاک شخصی بودند، کسب و کار مستقل اداره می‌کردند، در مشاغل متنوعی فعالیت داشتند و از نظام دستمزد و سهمیه بندی مشخصی برخوردار بودند. زنان سلطنتی مانند ایرتدونا و ایرداباما دارای شبکه‌های اداری مستقل، مهرهای شخصی و املاک گسترده‌ای بودند که از طریق کارگزاران خود اداره می‌کردند. حتی زنان کارگر عادی نیز از مزایایی مانند کمک‌های زایمانی بهره‌مند بودند و در برخی موارد، دستمزد بیشتری نسبت به مردان دریافت می‌کردند.

در حوزه سیاست، هرچند الواح به طور مستقیم به نقش سیاسی زنان اشاره ندارند، شواهد غیرمستقیم نشان می‌دهند که زنان سلطنتی از نفوذ سیاسی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. توانایی آن‌ها در برگزاری نشست‌ها، مدیریت منابع اقتصادی گسترده و شبکه سازی سیاسی، آن‌ها را به بازیگران مهمی در صحنه سیاسی امپراتوری تبدیل کرده بود.

این پژوهش همچنین نشان داد که تصویر سنتی از زنان هخامنشی که عمدتاً بر اساس منابع یونانی شکل گرفته است، نیازمند بازنگری اساسی است. نویسندگان یونانی با پیش‌داوری‌های فرهنگی خود، تصویری تحریف شده از زنان هخامنشی ارائه داده‌اند که با شواهد عینی و دست اول موجود در الواح تخت جمشید همخوانی ندارد.

با این حال، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، بخش قابل توجهی از الواح تخت جمشید هنوز منتشر نشده و در دسترس نیست. دوم، الواح عمدتاً اسناد اداری و اقتصادی هستند و اطلاعات محدودی درباره جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی زنان ارائه می‌دهند. سوم، بیشتر پژوهش‌ها بر روی زنان سلطنتی متمرکز بوده و زندگی زنان عادی و کارگر کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در چند جهت گسترش یابند: (۱) تمرکز بیشتر بر روی زنان غیرسلطنتی و طبقات پایین‌تر جامعه با استفاده از الواح منتشر نشده؛ (۲) تحلیل تطبیقی جایگاه زنان در مناطق مختلف امپراتوری هخامنشی؛ (۳) بررسی بازنمایی زنان در هنر و نگاره‌های هخامنشی؛ (۴) مطالعه تأثیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بر زندگی روزمره زنان؛ و (۵) تحلیل تغییرات جایگاه زنان در طول دوران هخامنشی و مقایسه آن با دوره‌های بعدی.

در نهایت، مطالعه جایگاه زنان در ایران باستان نه تنها برای درک تاریخ این سرزمین ضروری است، بلکه می‌تواند الگویی برای درک بهتر نقش زنان در جوامع باستانی و حتی معاصر ارائه دهد. الواح تخت جمشید به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی

ایران، گواهی بر این واقعیت است که زنان در دوران باستان (دست‌کم در جامعه هخامنشی) نقشی بسیار فراتر از آنچه در منابع سنتی آمده، داشته‌اند.

## منابع

۱. Aperghis, G. G. (۱۹۹۹). Storehouses and Systems at Persepolis: Evidence from the Persepolis Fortification Tablets. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, ۴۲(۲), ۱۹۳-۱۵۲.
۲. Arthur, E. (۲۰۲۶). Persia's Royal Power: Royal Women as Political Actors and Diplomats. [Books.com.tw](https://books.com.tw).
۳. Axworthy, M. (۲۰۰۸). *A History of Iran: Empire of the Mind*. Basic Books.
۴. Briant, P. (۱۹۹۶). *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire* (M. Taqibfar, Trans., Vol. ۱). Toos Publishing.
۵. Brosius, M. (۱۹۹۶). *Women in Ancient Persia, ۵۵۹-۳۳۱ BC*. Oxford University Press.
۶. CAIS. (n.d.). *Discovery of the First Old-Persian-Inscription among the Persepolis' Fortification-Tablets*. CAIS-SOAS.
۷. CEEOL. (n.d.). *Ancient Persian Woman at War*. CEEOL.
۸. Digital Commons. (۲۰۱۵). *The Life and Status of Women in Achaemenid Persia*. Andrews University.
۹. *Economic History Studies of Iran*. (۲۰۲۵). *Business and Economic Activities of Women in the Achaemenid Age (According to Persepolis Tablets)*. Tahqiqāt-e Târix-e Eqtesâdi.
۱۰. Hallock, R. T. (۱۹۶۹). *Persepolis Fortification Tablets*. The Oriental Institute of the University of Chicago.
۱۱. Henkelman, W. F. (۲۰۱۰). Consumed Before the King: The Table of Darius, that of Irdabama and Irtašduna, and that of his Satrap, Karkiš. In *The King and the Elites in the Achaemenid Empire* (pp. ۴۱-۱۲۱). National Museum of Iran.
۱۲. Hosseini Bojdani, F. (۲۰۲۱). Economic Participation of Non-royal Women in the Achaemenid Period according to Persepolis Tablets. *History Ancient*, ۱(۲), ۶۸-۱۰۱.

۱۳. Invisible Figures. (۲۰۲۵). Achaemenid Royal Women in Egypt. Brill.
۱۴. Khosravi, Z., & Imanpour, M. T. (۲۰۲۲). Social and Economic Status of Non-court Women in the Achaemenid Period. Social History.
۱۵. Mark, J. J. (۲۰۲۰). Women in Ancient Persia. World History Encyclopedia.
۱۶. Research of Women's Status and Roles in the Orient. (۲۰۲۵). [Kaken.nii.ac.jp](http://Kaken.nii.ac.jp).
۱۷. Routledge Companion to Women and Monarchy. (۲۰۲۰). Achaimenid Women. Taylor & Francis.
۱۸. Safaee, Y. (۲۰۲۰). Persian Women from a Heartland Perspective: An Institutional Analysis. [Theses.fr](http://Theses.fr).
۱۹. Safaee, Y. (۲۰۲۵). Persian Female Weavers in the Persepolis Economy. HAL Science.
۲۰. Safaee, Y. (۲۰۲۶). Women of the Empire: Life and Labor in the Achaemenid Persepolis Archives. Brill.
۲۱. Tehran Times. (۲۰۲۳). Persepolis Bears No Woman Carved in Relief, Archaeologist Says. Tehran Times, April ۲۳, ۲۰۲۳.
۲۲. University of Tehran. (۲۰۲۵). The Administrative Role of the Royal Woman Irtašduna Based on the Persepolis Tablets. Journal of Historical Researches.
۲۳. Watai, Y. (۲۰۲۳). Women Involved in Daily Management in Achaemenid Babylonia: The Cases of Rē'indu and Andiya. Gender Studies – Bibliographia Iranica.
۲۴. Wikipedia. (۲۰۱۶). Irdabama. Wikipedia.
۲۵. Wikipedia. (۲۰۲۱). Verwaltungsarchive von Persepolis. Wikipedia.